

مسجد کانون حماسه‌های اسلامی (از آغاز تا کنون)

غلامرضا گلی زواره

چکیده

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی عبادی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌یابد، خداوند مسجدی را شایسته می‌داند که بر پایه تقوا و اخلاص بنا شده و از انگیزه‌های مادی و نیرنگ‌های سیاسی دور باشد.

از همان آغاز که رسول اکرم در مدینه مسجدی بنیان نهاد، این مکان پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی بود بنابراین مسجد علاوه بر این که مرکز بندگی خدا و تربیت معنوی است کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گری می‌باشد و در طول تاریخ تمامی فریادها و خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مسجد منشأ گرفته است. مسجد کوفه مرکزی برای سامان‌دهی رزمندگان اسلام بود و حضرت علی علیه‌السلام در این مکان زمینه مبارزه با قاسطین، مارقین و ناکثین را فراهم آورد، قیام مختار و انقلاب زید بن علی در مسجد مزبور شکل گرفت.

امویان خواستند سیمای نفرت‌انگیز خود را در پرده‌هایی از ریا و تزویر پنهان کنند و از این روی از مسجد دمشق برای دوام قدرت پوشالی خود بهره بردند ولی امام سجاد علیه‌السلام در جامع دمشق نقشه‌های آنان را افشا نمود، قیام شهدای فسخ در مسجد النبی مدینه تکوین یافت. سرداران خراسان و سمرقند از مساجد این نواحی علیه مغولان وحشی بسیج شدند. مردم تهران با هدایت میرزا مسیح مجتهد تهرانی از مسجد جامع این شهر برای آزاد نمودن بانوانی که در اسارت روس بودند، حرکت کردند و قیام علما و مردم مشهد بر علیه کشف

حجاب در مسجد گوهر شاد به وقوع پیوست.

مردم تهران، قم و برخی شهرهای دیگر در سال ۱۳۴۲ و طی قیام ۱۵ خرداد برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی و افشای کارنامه ننگین آن، تظاهرات گسترده‌ای را از مساجد سامان دادند و به ندای امام خمینی برای جلوگیری از فجایع و اعمال ضدشرعی نظام پهلوی لبیک گفتند. انقلاب اسلامی در مساجد به رشد و شکوفایی و بالندگی شکوهمند رسید و امام خمینی و یارانش مساجد را پایگاه مبارزات و تلاش‌های تبلیغی و فرهنگی خود قرار دادند، در لحظات پیروزی این نهضت نیز مساجد، مراکز نظم و انسجام و سازماندهی نیروهای مبارز و مؤمن بود و برخی از نهادهای انقلابی در این کانون‌های عبادی شکل گرفتند.

پایگاه عبادی و سیاسی

تجسم خارجی یا مهم‌ترین پدیده جغرافیایی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌نماید. خداوند مسجدی را که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر می‌داند:

«المسجد اسس علی التقوی من اول یوم»^۱.

مرحوم طبرسی در تفسیر معروف خود می‌گوید مراد از این آیه هر مسجدی است که بر پایه طاعت الهی و نیت خالصانه برپا گردد.^۲ البته وی قول‌های دیگری را یادآوری می‌کند و می‌افزاید امکان دارد مسجد قبا یا مسجد النبی باشد، علامه طباطبایی تأکید می‌نماید که این آیه به مسجد قبا نظر دارد و بین این مسجد و مسجد ضرار مقایسه‌ای دارد.^۳

بنابراین آنان که انگیزه‌ای غیر از پرهیزگاری و یکتاپرستی دارند نمی‌توانند به احداث مسجد همت گمارند و قرآن افرادی را که مسجدی برای زیان به مسلمانان، تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ساختند محکوم می‌کند، فرمان وحی از این مکان که به مسجد ضرار موسوم گردید پرده برداشت. اهداف شوم بانیان آن را افشا کرد و به پیامبر دستور داد که در آن مسجد نماز نخواند و هر گونه فعالیتی در آن ممنوع است.^۴ پیامبر فرمانی صادر کرد تا براساس آن این مسجد را تخریب نموده و به آتش بکشند و به زباله دانی تبدیل کنند. پس اغراض سیاسی منفی که از توطئه‌های دشمنان اسلام حکایت دارد می‌تواند در لباس زهد

^۱ . توبه: ۱۰۸ .

^۲ . تفسیر مجمع البیان: ج ۵ ، ص ۷۲ .

^۳ . تفسیر المیزان، ترجمه: ج ۱۸ ، ص ۲۳۰ .

^۴ . نك: توبه: ۱۰۷ .

و تقوا و حربه مذهب آشکار گردد و از این رهگذر به مسلمین ضربه وارد کند و با ساختن مسجد مردم را فریب دهد و باید مراقب چنین نیرنگ‌هایی بود.

همچنین قرآن اجازه نداده است مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند مساجد خدا را آباد کنند، این گونه اشخاص اعمال خراب دارند و در آتش دوزخ جاویدان هستند.^۵

و در آیه‌ای دیگر به کسانی اجازه داده شده که مساجد را آباد و تعمیر کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از خدا می‌ترسند و نماز را اقامه نموده و زکات می‌دهند.^۶

قرآن کسانی را که مردم را بازمی‌دارند که در مساجد نام خدا یادآوری شود و در خرابی این اماکن می‌کوشند مصداقی از ستم‌کارترین افراد دانسته است.^۷ امام صادق علیه‌السلام خطاب به یکی از یاران خویش به نام یونس بن یعقوب می‌فرماید: ستمگران را حتی در ساختن مسجد نیز یاری مکن.^۸ زیرا هر گاه آنان بخواهند از این مکان پوششی برای ستم خویش بسازند یاری رسانیدن به آنان در راستای تقویت بیدادگری است نه احیای مسجد، پس مسجد می‌تواند در گسترش عدالت اجتماعی نقش سازنده و مثبتی داشته باشد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ربیع الاول سال سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود، آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر در دوشنبه ۱۲ ربیع الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت، پیامبر در این آبادی شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت، خاتم رسولان این مساجد را برای نبی عمرو بن عوف بنا نهاد، آن حضرت به این مسجد توجه ویژه‌ای داشت و هر شنبه با پای پیاده یا سواره از مدینه به قبا می‌آمد تا در آن نماز بگذارد، این همان مسجدی است که قرآن به عنوان اولین مکان عبادی مسلمانان بدان اشاره دارد و فضیلت نمازگزار در آن طی توجه روایاتی پیامبر و ائمه هدی قرار گرفته است.^۹ پیامبر در مدینه نیز مسجدی را بنیان نهاد که تنها در آن نماز اقامه نمی‌گردید بلکه مرکز فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی سیاسی مسلمانان تلقی گشت. از بدو استقرار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه که مسجد به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمین قرار گرفت، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن حرکت و جهاد بود، مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در

^۵ . توبه: ۱۷ .

^۶ . توبه: ۱۸ .

^۷ . بقره: ۱۱۴ .

^۸ . وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی: ج ۱۲، ص ۱۲۹ .

^۹ . همان: ج ۳، ص ۵۴۸، ج ۱۰، ص ۲۷۶؛ وفاء الوفاء، سمهوری: ج ۲، ص ۸۰۸ .

مسجد تدارك دیده می‌شد و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با بیان شیوای خود مسلمانان را در این مکان برای جهاد با کفار و مشرکان بسیج می‌نمودند. به یمن امنیتی که در این پایگاه توحید و عبادت وجود داشت مردم برای گره گشایی امور اجتماعی به حضرتش مراجعه می‌کردند و آن حضرت مشکلات جامعه را برطرف می‌نمودند. در جوار مسجد صفه‌ای برای بینوایان و مهاجران تهی‌دست ساخته شد تا در آن جا بسر ببرند، همین مسایل حکایت از آن داشت که در اسلام ایمان از مسایل اجتماعی و سیاسی جدا نیست و صرفاً يك آیین مذهبی معنوی نمی‌باشد بلکه با زندگی فردی و جمعی سر و کار دارد و ضمن آن که همه را به تقوا و پارسایی فرا می‌خواند از تدابیر در امور سیاسی و اصلاح اوضاع اجتماعی غفلت ندارد.¹⁰

امام خمینی در این باره گفته است:

«صدر اسلام از همین مساجد، جیش‌ها، ارتش‌ها، راه افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده، هر وقت يك گرفتاری پیدا می‌شد صدا می‌کردند که «الصلوة بالجماعه» اجتماع می‌کردند و آن گرفتاری را طرح می‌کردند».¹¹

مسجد خار چشم دشمنان

بنابراین مسجد در ضمن این که مرکز عبادت و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه گران و قوای استکبار می‌باشد و بر همین مبنا تمامی فریادها، خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مساجد سرچشمه می‌گرفت و روی همین جهت مسجد در تاریخ بر فراز و نشیب اسلام و خصوص تشیع، بزرگ‌ترین پایگاه تجمع مردم و از سویی مهم‌ترین خار چشم حکومت‌های ظالم و جفا پیشه بوده است و همواره آنان درصدد بوده‌اند با شیوه‌های گوناگون این اماکن را به تعطیلی بکشانند اما چون مستقیماً در برابر شور و احساسات، اراده قوی و ایمان استوار مردم قرار می‌گرفتند این جسارت و توان را در خود نمی‌دیدند که علنی در برابر افراد مسلمان بایستند و از طرق دیگری وارد می‌شوند و از آن جمله در چهره فداست و مذهب در می‌آیند و مسجد را تحت پوشش و استیلا خود در می‌آورند. البته مردم پس از چندی به این تزویر پی می‌برند و با چنین حاکمانی به مخالفت بر می‌خاستند و یا از شرکت در مسجدی که تحت سلطه زورمندان بود اجتناب می‌نمودند و اگر امکان اقتداری را بدست می‌آوردند این مکان مبارک و مقدس را از سلطه آنان می‌رهانیدند.

¹⁰ . فروغ ابدیت، جعفر سبحانی: ص ۴۵۲ - ۴۵۳؛ *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی*، دکتر عباس سعیدی رضوانی: ص ۲۲ .

¹¹ . *صحیفه امام*، روح موسوی خمینی: ج ۱۰، ص ۱۶ .

در طول تاریخ، تمامی قیام‌ها از سرچشمه مسجد جرعه نوش بودند و فریاد بیدار باش و حرکت عمومی از بالای منابر سر داده می‌شد و مردم بعد از سخنرانی‌های آتشین، روشن‌گر و کوبنده که توسط گویندگان متعهد و مسئول ایراد می‌گردید به کوچه‌ها و معابر می‌ریختند و در برابر حکومت‌های ظلم‌پیشه به نبرد می‌پرداختند و با مرگی یا غیرت را پذیرا می‌شدند و یا بر تباهی غلبه می‌یافتند، با این وصف می‌توان گفت مسلمانان عظمت و ابهت معنوی و سیاسی خود را باید مرهون مسجد بدانند و این سنگ‌های تسخیرناپذیر بودند که بزرگ‌ترین نقش را در این راستا ایفا کردند و بزرگ‌ترین سد در برابر هر جریان ضد ارزشی بوده و می‌باشند.

مسجد کوفه

کوفه که در آغاز برای استقرار رزمندگان اسلام بوجود آمد بر کانون مرکزی مسجد شکل گرفت و نخستین محل آن که جزو مساجد چهارگانه به شمار می‌رود مسجد بود، این مکان مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها هدایت‌ها و خروش‌های حضرت علی علیه‌السلام بوده است. در همین مسجد آن حضرت از دو چهرگان و مؤمنان سست ایمان گلایه می‌کند و زمینه حرکت و مبارزه با پیمان شکنان (ناکثین)، و ستم پیشگان (قاسطین) و آشوب طلبان (مارقین) را فراهم آورد و سرانجام در محراب همین مسجد در سپیده دم نوزدهم رمضان سال چهل هجرت به شهادت رسید.^{۱۲}

در مسجد کوفه امام حسن مجتبی علیه‌السلام ضمن خطابه‌ای تاریخی از اهل بیت و حق مسلم آنان در خلافت سخن گفت و چون احساس نمود معاویه دست به عصیان زده و افرادی را برای اخلاصگیری تقویت می‌کند در پاسخ به این ستیزه جویی مؤمنان را بسیج نمود تا با معاویه به نبرد برخیزند اما به دلیل شرایطی که در سپاه خود می‌دید و تبلیغات منفی امویان و نفوذ خوارج و وابستگان دشمنان در میان نیروهای مردمی امام جنگ را ترك نموده و به صلح روی آورد، طرفین در مسجد کوفه اجتماع کردند و امام با بزرگواری و متانت خاصی بر منبر قرار گرفت در بخشی از بیانات خویش فرمود: معاویه چنین وانمود کرده که او را شایسته خلافت دیده‌ام ولی او دروغ می‌گوید، بر اساس قرآن و قضاوت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ما از همه کس به حکومت اولی‌تر درآیم.^{۱۳}

^{۱۲} . سیمای کوفه، از نگارنده: ص ۷۴ - ۷۲ .

^{۱۳} . سیری در سیره انوه اطهار، شهید مرتضی مطهری: ص ۸۹ - ۸۲ ؛ و نیز نک: صلح امام حسن شیخ راضی آل‌یاسین، ترجمه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای.

مختار بن ابوعبیده ثقفی برای مجازات جنایتکاران اموی که در کربلا شرارت کرده و کارنامه‌ای ننگین از خود به جای نهاده بودند، در کوفه قیام کرد، مرکز خیزش وی مسجد جامع این شهر است، او پس از مسلط شدن بر اوضاع شهر، در مسجد مذکور برای مردم خطبه‌ای حماسی خواند. سپس مراسم بیعت با وی با شور و هیجان وصف ناپذیری آغاز شد.^{۱۴}

جامع دمشق

یکی از مهم‌ترین حوادث دردناک تاریخ اسلام، حکومت جابرانه امویان می‌باشد. معاویه بنیانگذار این سلسله ملعون از سال ۴۱ تا ۶۰ هجری بر سرزمین شام حکومت کرد ولی عامل دوام سلطه‌اش، سیاست بازی و دو روئی است و ماهیت شرک و ستم را در پرده‌ای از ریا و تزویر مخفی کرد و تنها پایگاه تبلیغات مسموم وی در جهت انحراف افکار مردم از مسیر صحیح اسلام و مشحون نمودن اذهان از یاوه سرابی‌ها و تهمت‌ها بر علیه عزیزترین بندگان خدا، مسجد جامع دمشق بود، بعد از وی فرزند فاسدش همانند او از این مکان مقدس استفاده سوء کرد و آن را بهترین جایگاه قدرت پوشالی خود می‌دانست و برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفاصد خویش هر صبح و شام به مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود اما حادثه‌ای به وقوع پیوست که سیمای کربه او را افشا ساخت. امام سجاد علیه‌السلام و عده‌ای از بازماندگان حادثه نینوا بعد از حماسه عاشورا، به عنوان اسارت به شام انتقال یافته و در خرابه‌ای اسکان داده شدند، روزی یزید امام چهارم را به این مسجد فراخواند و در حضور آن امام هم‌ام از خطیب مزدوری خواست بر فراز منبر رود و از فضایل بنی‌امیه و معایب دشمنان و علیه آل ابدی طالب مطالبی بر زبان جاری نماید، امام زین العابدین علیه‌السلام چون این سخنان یاوه و باطل خطیب را شنید، روی به آن سخنران نمود و فرمود: وای بر تو، رضایت مخلوق را به خشم خداوند برتری دادی، پس جایگاهت در آتش است، آنگاه از یزید خواست تا اجازه دهد وی بر منبر مسجد رفته و مطالبی بگوید که مایه خوشنودی خداوند و ثواب برای حاضران در مسجد باشد، یزید در آغاز نپذیرفت ولی با اصرار مردم قبول کرد و با کراهت اجازه داد امام به منبر برود. حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام طی بیاناتی شیوا و جالب از فضایل اهل‌بیت سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت پیشه‌گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد و با سخنان حماسی و روشن‌گر خویش مسجد را یکپارچه تبدیل به فریاد، گریه و شور و هیجان نمود

^{۱۴} . ماهیت قیام مختار، سید ابوالفضل رضوی اردکانی: ص ۲۳۲ - ۲۰۹ .

و ماهیت فساد و تباہکاری نظام استبدادی و اختناق اموی را رسوا ساخت و پایه‌های لرزان آن را رو به ویرانی نهاد بزید که از این افشاگری سخت هراسناک گردید. به فکر چاره‌ای افتاد و مؤذن را فرمان داد اذان بگوید تا از این راه جلو سخنان امام را بگیرد ولی حضرت سجاد از این سرود زیبای توحید هم بهترین استفاده را نمود و عباراتی از آن را برای هدایت مردم به سوی حقایق ناب و حاکمیت عدالت اسلامی بکار گرفت.^{۱۵}

قیام‌های علویان

از حوادث مهم سیاسی در ایام امامت امام صادق علیه‌السلام قیام زید بن علی در کوفه است، حرکتی که وی آغاز کرد نشان از نفوذ علویان در میان مردمان عراق دارد، او با بهره‌مندی از چشمه پرفیض پدر یعنی امام سجاد علیه‌السلام ضمن آن که به فضایل و معارفی آراسته بود خود را برای خیزشی علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه وقت اموی، مهیا نمود، وقتی وی به کوفه آمد شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عترت در مسجد جامع کوفه گروه گروه نزدش می‌آمدند و با وی بیعت می‌کردند، چون زمان قیام نزدیک گردید، زید به یاران و هواداران وعده داد در چهارشنبه اول صفر ۱۲۲ هجری خروج خواهد نمود ولی وقتی خبر مزبور به گوش والی وقت کوفه یوسف بن عمر، رسید، بیعت کنندگان با زید را در مسجد تحت فشار سختی قرار داد و صرفاً از میان ۱۵۰۰ نفر حامی زید، ۳۰۰ نفر موفق شدند به وی بپیوندند. در این میان نصر بن خزیمه که از یاران نزدیک زید بود، به او گفت مردم را در مسجد حبس کرده‌اند، ما را به سوی ایشان ببر، زید چنین کرد، اصحابش وقتی به مسجد رسیدند پرچم‌های خود را از بالای درب‌ها داخل مسجد می‌نمودند و می‌گفتند: ای اهل مسجد بیرون آید و به ما ملحق شوید اما از آن سوی سپاه اموی بر این حامیان سنگ پرتاب می‌کردند و نبردی سخت بین دو طرف در گرفت و یاران تیر به سوی مبارزان بارید و اگرچه آنان فداکاری و مقاومت کردند ولی قیام با شهادت زید به پایان رسید برخی از مورخان گفته‌اند، عده‌ای از کوفیان دعوت زید را ناپسندیده گرفتند و ماندن در حبس و گرفتار شدن در محاصره دشمن را بر پیوستن به فرزند امام چهارم ترجیح دادند.^{۱۶}

در عصر امام کاظم علیه‌السلام یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام به نام حسین بن علی بن حسین که شخصیتی ممتاز و مسلمانی راستین بود در هشتم ذی حجه سال ۱۶۹ ه.ق در زمان

^{۱۵} . مقتل الحسین، خوارزمی: ج ۲ ، ص ۷۲ و ۷۳ ؛ الارشاد، شیخ مفید: ص ۲۴۶ ؛ مشیرالاحزان، ابن نماحلی ساحلی: ص ۱۰۴ .

^{۱۶} . تفصیل این قیام را در کتاب سیره و قیام زید بن علی به قلم حسین کریمان و کتاب رهبر انقلاب کوفه، نوشته عبدالرزاق مقدم، ترجمه عزیزالله عطاردی مطالعه نمایید.

خلافت هادی عباسی بر ضد حکومت ستمگر وقت قیامی را در سرزمین فح، حوالی شهر مکه، سامان داد. این خروش مقدس از مسجد النبی آغاز شد و روزهای اول انقلاب، مسجد مرکز جنب و جوش و هیجان‌های مردم بود و در این مکان، ستاد فرمان دهی نهضت تشکیل گردید، رهبری قیام همراه با جمعی از شیعیان و علویان وارد مسجد النبی گردید و در حالی که لباس و عمامه سپیدی پوشیده و شمشیری برهنه در دست داشت بر فراز منبر رفت و انگیزه نهضت و علت آن را به طور اختصار بیان داشت در آن سال جمعی قابل توجه برای زیارت بارگاه نبی اکرم به مدینه آمده بودند و در روز انقلاب و طی مراسم بیعت، در مسجد حضور داشتند به طوری که مسجد از افراد پر شده بود پس از انجام این مراسم، نیروهای مبارز در این مکان گرد آمدند، و مسلح و آماده دفاع و منتظر واکنش دشمن گردیدند و سرانجام پاسبان‌های مدینه که خالد بربری فرماندهی آنان را عهده دار بود به استمداد ۲۰۰ نفر به سوی مقر فرماندهی انقلاب یعنی مسجد یورش بردند و بدین گونه درگیری آغاز شد اما طرفداران حسین گروه‌های مهاجم را عقب زده و از مسجد بیرون راندند و موفق گردیدند فرمانداری مدینه را تصرف کنند و در روز سوم قیام شهر کاملاً در تصرف قوای قیام فح بود، سپاه فاتح از مدینه به سوی وادی فح رسیدند و در آن جا نیرویی اندک با انبوه نیروهای دشمن با وضعی نابرابر درگیر شدند که منجر به شهادت رهبری قیام و تعدادی از یارانش گردید. رهبر قیام اگر چه در این حرکت مقدس شکست خورد اما در ابتدای پیروزی افتخار می‌کرد که به عنوان ذریه‌ای از رسول خدا، در مسجد النبی بر روی منبر پیامبر با مردم سخن می‌گوید و از این مکان به مبارزه با ظلم و جفا برخاسته است.^{۱۷}

قیام سریداران

تهاجم متوالی مغولان به قلمرو جهان اسلام، تعادل سیاسی و امنیتی را بر هم زد، با این وجود بر اثر فروپاشی دستگاه عباسیان توسط این قوم، برخی فرق شیعه بال و پر گرفتند و رشد کردند، در این میان با تلاش‌های بی‌وقفه خواجه نصیر طوسی و ابن‌مطهر حلبی مذهب شیعه اثنی‌عشری به حیات فکری و ارزشی خود ادامه داد و موفق گردید راه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد.

شیخ خلیفه روحانی شیعه و انسانی پرهیزگار که از اهالی مازندران بود به سرزمین خراسان

^{۱۷} . مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی: ص ۲۹۸؛ بحارالانوار: ج ۴۸، ص ۱۶۵؛ تاریخ طبری: ج ۸، ص ۱۹۴.

مهاجرت نمود و در مسجد جامع سبزوار به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و سخنان این دانشور عارف عده کثیری را به سوی او جذب کرد و بسیاری از مردم پیروش شدند و بدین ترتیب آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچید و صاحبان قدرت را به هراس افکند و عده‌ای که از راه سالوس و ریا بر مردم سلطه داشتند با افشاگری‌های او منافع خود را در خطر دیدند، از این‌رو حاکمان وقت در دو بعد سیاسی و عقیدتی بر علیه وی به مبارزه برخاستند ولی شیخ خلیفه به عنوان دانشوری عارف، با توجه به فضای سیاسی جدیدی که برای علمای شیعه پدید آمده بود به کار خود ادامه داد. برخی علمای وابسته به دربار فتوایی صادر کردند، با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و از دنیا حدیث می‌گوید و چنین کسی واجب‌القتل است، سپس صورت فتوا را برای سلطان ابوسعید فرستادند تا متن آن را تأیید کند، ولی وی امتناع کرد و گفت: من دست به خون این فرد نمی‌آلایم لکن معاندان بعد از نقشه‌های زیادی که به اجرا درآوردند به هدف خویش رسیده و این عالم شیعی را شهید نمودند و شیخ حسن جوری، شاگردش راه او را ادامه داد و از پایگاه مسجد برای مبارزه با ستیز و ستم، قیام سریداران را رهبری نمود و پیروانش غالباً کسبه عادی بودند.

حرکت سیاسی این روحانی شیعی در آغاز از موضع مسجد حالت مخفیانه داشت و بعدها وقتی مبارزه آغاز گردید صورت علنی بخود گرفت، تاریخ آغاز قیام سال ۷۳۶ هـ ق می‌باشد آنان در اندک مدتی قوای کمکی علاءالدین محمد وزیر را درهم شکستند و پیروزی از آن سریداران شد و پس از حملات و جنگ و گریزهای متوالی، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آنجا را پایگاه عملیاتی خود کردند. امیر عبدالرزاق از افراد شجاع سریدار پس از این فتح در سال ۷۳۷ هـ ق در مسجد سبزوار خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد، در این حال شیخ حسن با اقداماتی که دشمنانش علیه او انجام دادند، توسط ارغوان شاه، دستگیر شد و در قلعه پلرز محبوس گشت زمانی که امیر وحیدالدین مسعود بعد از قتل برادر (عبدالرزاق)، روی کار آمد تصمیم گرفت شیخ حسن را از حبس برهاند، استخلاص این روحانی عملی گردید و او از زندان به سبزوار آمد و رهبری مذهبی حرکت سبزوار را هم چون گذشته عهده‌دار گشت. امیر مسعود با کمک شیخ حسن و پیروانش لشکر ارغون شاه را پراکنده ساخت و سیطره سریداران را تا نقاط دور دست کشانید.^{۱۸}

آن چه که قیام سریداران را ممتاز و برجسته می‌نماید این است که درون مایه‌اش مذهبی

و شیعی بود و مرکز شکل‌گیری فکری و سیاسی آن مسجد می‌باشد. در جنبش سربداران سمرقند نیز مذهب نقش اصلی را ایفا می‌کند، رهبر آن مولانازاده سمرقندی، رهبری مقاومت مردم این سامان را در برابر مهاجمین مغول به عهده گرفت، قبل از شروع قیام مردم از اقبشار گوناگون در مسجد جامع شهر گرد آمدند تا در این خصوص به مشورت بپردازند. مولانازاده تیرانداز و دلیر در حالی که شمشیر حمایل کرده آرام‌آرام بر بالای منبر مسجد آمد و پس از سلام بر حاضران آواز برآورد که امروزه کفار به تخریب قلمرو مسلمانان و کشتار آنان پرداخته، در این مورد نباید کوتاهی کنید، روز قیامت از شما می‌پرسند که چرا با وجود توانایی خاموش ماندید، جهاد و رفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمین خوردن هم چون ادای نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان فرض است. در این زمان از میان شماها که در این خانه خدا حاضر شده‌اید کدامیک به این امر عظیم قیام می‌نمائید هرچه در دل دارید بگویید و رضا مدهید که کار دین عقب بماند گرایش مردمی که در مسجد جامع شهر گرد آمده‌اند نسبت به مواعظ و هشدارهای مولانا متفاوت است خواص مرفه از این که خود را برای هدفی والا به خطر بیاندازند شانه خالی می‌کنند ولی عموم مردم که رنج دیده و بلا خورده‌اند برای حفظ دین و صیانت از قلمرو مسلمانان آماده جان فشانی هستند. ناگهان مولانا تیغ از نیام کشید و بر گردن خود نهاد و روی به مردم کرد و گفت: من آماده فداکاری هستم و این وظیفه بزرگ را پذیرا گردیدم، شما چه می‌گوئید؟ این چنین بود که رهبری قیام را در برابر مغولان پذیرا گشت و قدرتش در این حرکت به حدی بود که اهالی به اشاره‌اش آماده هر گونه ایثاری بودند، آنان پس از مقدمات و تدارکات لازم بر شهر مسلط شدند و چون دشمن مغرور وارد سمرقند حدود شش سال و هفت ماه از پاییز سال ۷۶۶ هـ ق تا بهار سال ۷۶۷ هـ ق به‌طور مستقل براین ناحیه حکومت کردند اما پس از این مدت با حيله و نیرنگ تاتاران مغول قتل عام شدند و مولانا سمرقندی به دلیل نفوذ عمیق مذهبی از مرگ رهایی یافت.^{۱۹}

در این قیام، انگیزه اصلی هم‌چنان مذهب است و این عامل از لابلای سخنان مولانا در مسجد جامع کاملاً مشهود است، کانون شکل‌گیری نیز مقدس‌ترین مکان سمرقند یعنی مسجد جامع است.

خشم مقدس

^{۱۹} . منتخب التواریخ، معین الدین نطنزی: ص ۲۲۲ به بعد، مطلع السعدین، عبدالرزاق سمرقندی به اهتمام عبدالحسین نوایی: ص ۲۳۱ و ۲۳۲ .

میرزا مسیح مجتهد استرآبادی متوفی به سال ۱۲۶۳ هـ ق از فقهای قرن سیزدهم و شاگرد میرزای قمی می‌باشد که در تهران به بحث و درس و تربیت شاگردان مشغول بود. هنگامی که وی در مسجد جامع تهران پرتو افشانی می‌کرد، بر اثر بی‌کفایتی شاهان قاجار و زورگویی‌های روس معاهده‌های ننگینی تحت عناوین ترکمان چای و گلستان به ایران تحمیل گردید. گریبایدوف روسی که فردی متکبر و جاه طلب بود در پنج رجب ۱۲۴۴ هـ ق برای اجرای یکی از بندهای قرارداد ایران و روس از جمله استرداد اسرا و دریافت غرامت به ایران آمد و خواست از راه تفرعن و تحقیر و توهین مردم کار خود را سریع انجام دهد و او به بهانه جستجوی گریبان و روس‌های پناهنده به حریم خانه‌های مسلمانان تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی برآمد در حالی که بسیاری از آنان از زمان آغا محمدخان قاجار مسلمان شیعه شده و به عقد ازدواج مردمان مسلمان ایران درآمده و صاحب فرزند بودند. گریبایدوف این بانوان را با تهدید و ارباب و ضرب و جرح به سفارت روس انتقال داد و در این مکان نیز با آنان بنای بدرفتاری نهاد. زنان با تقاضای وی و همراهانش مخالف بودند به وسیله ذکر و خواندن قرآن به صورت دسته جمعی تنفر خویش را از سفیر و دیگر کارگزاران روس اعلام کرده و فریاد استغاثه خود را به گوش علمای تهران رسانیدند، ضمن آن که مجتهدان شهر وظیفه خود دیدند تا از حریم ارزش‌ها و شرافت دینی حمایت کنند. مردم نیز به آنان مراجعه و تقاضای اقدام فوری و مؤثر نمودند.

طبیعی بود که مردم به سراغ مجتهد برگزیده‌ای می‌روند که در سنگر مسجد جامع به تنویر افکار عمومی می‌پردازد و او کسی جز میرزا مسیح مجتهد نبود، سرانجام روز حادثه فرا رسید و مردم مسلمان تهران با هدایت علما و فتوای میرزا مسیح در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ هـ ق در مسجد جامع تهران اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فسادی که گریبایدوف ایجاد کرده بود روانه شدند تا حکم اسلام را مبنی بر آزاد نمودن زنان مسلمان از دست متجاوزان روس، به اجرا در آوردند، جمعیت وقتی به درب سفارت رسیدند ضمن کنترل خشم و هیجان خویش خواسته‌های برحق و منطقی خود را مطرح کردند ولی گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان دستور تیراندازی داد و نوجوان ۱۴ ساله‌ای را که جلو جمعیت بود، به شهادت رسانید، مردم پیکر وی را به مسجدی در آن حوالی آورده و بر سر جنازه‌اش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام با هجوم دسته جمعی وارد سفارت گردیدند و با افراد آن درگیر شدند و بر اثر آن ۲۸ نفر از ساکنان سفارت از جمله گریبایدوف و ۸۰ نفر از مردم کشته شدند. دولت روسیه از راه تهدید، از دولت ایران خواست تا رهبر قیام را تبعید کند

اما وقتی خبر مزبور به آگاهی مردم رسید، آنان با تظاهرات وسیعی اعتراض خود را با این برنامه اعلام کردند پس از سرکوبی اهالی تهران در هشتم صفر ۱۲۴۵ هـ ق میرزا مسیح را به مسجد شاه (امام خمینی کنونی) آوردند و وی را مجبور کردند تهران را به مقصد عتبات عالیات به‌عنوان تبعید ترک کند.²⁰

قیام گوهر شاد

همزمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) زمزمه‌های حجاب‌زدایی از سوی رژیم رضاخان بلند می‌شود و نطق‌هایی جهت آماده‌سازی اذهان عمومی ایراد گردید. اما برخلاف پیش‌بینی تئوریسین‌های وابسته به استعمار و پس از جنگ‌های روانی شدید که علیه روحانیت ترتیب دادند، علمای مشهد با شنیدن این زمزمه‌ها و گفتار دولتی‌ها، به‌طور مخفی جلساتی برگزار می‌کنند، در یکی از این نشست‌ها پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و مستقیماً با رضا شاه مذاکره کند اما حاج آقا حسین قمی در باغ سراج الملك شهر ری بازداشت و ممنوع‌الملاقات می‌گردد.

از آن سوی مسجد گوهر شاد مشهد چند روزی است که محل اجتماع و سخنرانی علیه کشف حجاب است و با بازداشت این روحانی برجسته اجتماعات مزبور هر لحظه وسیع‌تر و اعتراضات گسترده می‌شود و سخنرانان در مسجد گوهر شاد با کلامی آتشین‌تر به افشاگری می‌پردازند. گردهمایی فزاینده مردم در مسجد مزبور همراه با سخنرانی‌های روحانیون بیدار، می‌رود تا پایه‌های نظام سلطه استعماری را در هم بریزد اما صبح روز جمعه ۱۰ ربیع الثانی ۱۲۵۴ هـ ق (۲۰ تیر ۱۲۱۴ هـ ش) قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل می‌شوند و بر روی آنان آتش می‌گشایند و يك صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند ولی اهالی مشهد و حومه متفرق نمی‌گردند و مقاومت می‌نمایند مهاجمین مسلح که دستوری برای او خیانت از مرکز یا فرمانده خود دریافت نکرده بودند از برابر مردم عقب‌نشینی می‌کنند.

پس از این یورش مردم اطراف مشهد با ابزارهای کشاورزی و بنایی به سوی مسجد سرازیر می‌گردند و مسجد لبریز از جمعیت معترض می‌شود، غذای مورد نیاز افراد متحصن در مسجد از بیرون توسط حامیان قیام تأمین می‌گردد. زنان خواستار شرکت در خیزش گوهرشاد هستند و مسجد با زدن چادری برای بانوان شجاع و دلیر مهیا می‌شود.

²⁰ . تفصیل این قیام را در کتاب *میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف*، به قلم نگارنده مطالعه فرمایید.

روز شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۵۴ هـ ق برابر با ۲ تیر ۱۳۱۴ مسجد دیگر جای سوزن انداختن نبود، شعارهایی ضد سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضد حجاب‌زدایی داده می‌شود، مردم یک پارچه در مسجد سرود مقاومت سر می‌دهند، عوامل رژیم نگرانی خود را به مرکز خبر می‌دهند اما رضاخان دستور می‌دهد اجتماع‌کنندگان در مسجد را به شدت سرکوب نمایند سران قشون و شهربانی قوای خود را هماهنگ می‌کنند، قزاقان در اطراف مسجد مستقر می‌گردند اسدی نایب‌التولیه که از کشتاری خونین در آینده‌ای نزدیک اطلاع دارد نیز می‌داند عده‌ای مجتهد برجسته در مسجد هستند به بهانه مذاکره آنان از مسجد خارج می‌نماید. پاسی از نیمه‌های شب ۱۲ ربیع‌الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، خراسان را به لرزه افکند و صدای شیپور جنگ از همه طرف بلند شد، گروهی از دزخیمان اسلحه بدست، به داخل مسجد رفتند و عده زیادی را کشتند و به هیچ کس رحم نمی‌کردند، وقتی سپیده سرزد و نه صدای گلوله‌ای بود و نه ذکر فریاد معترضان از مسجد شنیده می‌شد و قزاقان با کشتن بیش از دو هزار نفر تا پنج هزار نفر و اسیر کردن ۱۵۰۰ تن و بازداشت نمودن عده‌ای از روحانیون موفق شدند قلب مقاومت مسجد گوهرشاد را درهم شکنند و دل استعمارگران را شاد کنند و ارباب خود یعنی رضاخان را راضی نمایند و اما آنان نتوانستند آوازه‌های استقامت و دفاع از ارزش‌های الهی را به بند کشند و کوس رسوایشان به صدا درآمد.^{۲۱}

فریاد اعتراض

به دنبال دستور امام خمینی از اول محرم سال ۱۲۸۲ هـ ق مجامع و محافل کثیری در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی برگزار شد و در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیر زنی شعارهای انقلابی مطرح گردید از جالب‌ترین این برنامه‌ها تظاهرات روز عاشورای تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق آغاز گشت. در این حرکت، جمعیت به گروه‌های متعدد تقسیم شد و نظم و سازمان دهی هر گروهی شعار مخصوص خود را داشت، جالب این که اقشار دانشجویی، روحانی، بازاری، کارگر و دهقان، در این خشم مقدس حضور داشتند. تصویر امام خمینی و جملاتی از حضرت امام حسین علیه‌السلام زینت بخش صفوف عزاداران بود، تظاهر کنندگان صبح روز عاشورا شروع به حرکت کردند و ساعت سه بعد از ظهر پس از عبور از مسیر ری، بهارستان، مخبرالدوله، دانشگاه و بازار در مسجد شاه

²¹. قیام‌گوهر شاد، سینا واحد: ص ۵۰ - ۴۷؛ علما و رژیم رضاخان، حمید بصیرت منش، ص ۴۷۰ - ۴۶۷.

(مسجد امام خمینی) به متینگ خود خاتمه دادند این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم گردید تبلور عینی افشار مختلف جامعه خصوصاً بازاریان و دانشجویان بود که در حمایت از روحانیت و مخالفت با رژیم پهلوی پای به میدان نهاده بودند.^{۲۲}

مساجد سید عزیزالله، شیخ علی، امین‌الدوله و آذربایجانی‌ها نیز به عنوان محل شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیتی ویژه داشتند و مرکز ارتباط روحانیون و بازاریان بودند، نقطه عطف این مبارزات، با روی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علنی علما و بازاریان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدل گشت به دنبال سخنرانی امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲، در مسجد سید عزیزالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت، آیات محترم خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصن شدند، در پی این اقدام مساجد دیگر نیز وارد عمل شدند و مبارزات مردمی در کشور افزایش یافت و سخنرانی‌هایی در مساجد فوق به تاسی از امام خمینی توسط آیت‌الله خوانساری و حجج اسلام فلسفی و تنکابنی برگزار شد به نحوی که عمال رژیم پهلوی در خرداد ۱۳۴۲ مسجد عزیزالله را که در چهارسوق بازار تهران قرار داشت تعطیل کردند، با این وجود شدت مبارزات مردمی به حدی بود که اسدالله علم ناچار به لغو تصویب نامه مورد اشاره گردید. مسجد سید عزیزالله همچنان جایگاه خود را در مبارزات ضد پهلوی حفظ نمود و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ هـ ش محل موعظه استاد فلسفی و مرکز تجمع مبارزان بود.

در ماه رمضان سال ۱۳۷۱ هـ ق (۱۳۳۱ هـ ش) قرار بود که حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد شاه (امام خمینی کنونی) سخنرانی کند اما چون مطلب ایشان به قول عوامل رژیم تحریک‌کننده بود، عده‌ای از افراد شهربانی داخل مسجد شدند اجازه ندادند وی منبر برود و بدین‌گونه مراسم آن ایام این مسجد، به تعطیلی کشانیده شد، از آن سوی فرمانداری نظامی تهران در اطلاعیه‌ای که صادر کرد به وعاظ هشدار داد به هیچ وجه در منابر حق صحبت کردن در اطراف مسایل سیاسی را ندارند، امام خمینی که در زمان تعطیل گردیدن مراسم مسجد شاه در همدان بسر می‌برد از این برنامه اظهار نگرانی نمود، علمای قم و تهران و ائمه جماعات برخی شهرستان‌ها هم در بیانیه‌های جداگانه‌ای تأثر خویش را از این بابت اعلام کردند.^{۲۳}

^{۲۲} نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بینا: ص ۵۲ و ۵۳؛ طلوع فجر، عبدالمجید معادخواه: ص ۷۷؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸: ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج ۳ و ۴، ص ۷۲ و ۷۴؛ ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰: ص ۷۸.

^{۲۳} خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی: ص ۱۵۱ - ۱۴۹.

این مسجد در حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز کانون مهمی به شمار می‌رفت به دنبال اعلام مراجع و اعلام امام خمینی به برگزاری مراسم و مجالس عزاداری بصورتی پر رنگ‌تر در عاشورای سال ۱۳۸۲ هـ ق مردم به صورت دسته‌های عزادار در خیابان‌های تهران ظاهر شدند و با سر دادن شعار خمینی خدا نگه دار تو، ملت طرفدار تو، حمایت خویش را از امام و مخالفت خود را با رژیم شاه اعلام کردند، آنان به بازار تهران آمدند و از طریق خیابان مولوی به مسجد شاه (امام) رفتند. در این تظاهرات یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی، پشتیبانی دانشجویان را از نهضت امام خمینی اعلام کرد ساعت ۱۶ همان روز مردم پس از تظاهرات به مسجد بازگشتند و پس از استماع سخنرانی آیت‌الله مکارم شیرازی که در تقبیح اعمال رژیم پهلوی صورت گرفت، در حالی که شعار خمینی خمینی خدا نگه دار تو، بمیرد بمیرد دشمن خون خوار تو، سر می‌دادند به سوی میدان سپه راه افتادند و در اثنای حرکت عده کثیری به آنان ملحق شدند آنان بعد از تظاهرات در بازار به مسجد حاج ابوالفتح رفتند و در مجلس ماتمی که روحانیون برگزار کرده بودند حضور یافتند، در آن جلسه مقرر گردید تظاهرات روز بعد از مسجد شاه (امام) ادامه بدهد.^{۲۴}

مسجد شیخ عبدالحسین واقع در بازار تهران است که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است این مکان توسط وصی میرزا تقی‌خان امیر کبیر از ثلث اموال آن مرحوم یعنی شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین ساخته شد، این مسجد نیز مرکز فعالیت نیروهای مذهبی، تبلیغی و سیاسی بود، مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) در این مکان بحث‌هایی را آغاز کرد که گزارش‌هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است، جالب آن که اسدالله علم نخست وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده‌ای ساواکی مستمع سخنان وی بودند، جمعیت به قدری زیاد بود که فلسفی از طریق پشت بام به مسجد رفت وی در این منبر، مسجد را کانون جنبش معرفی کرد و از استیضاح دولت علم توسط روحانیت قدرت علما، جنایت رژیم در مدرسه فیضیه و ایجاد محیط رعب و وحشت در قم سخن گفت به همین دلیل حجت‌الاسلام فلسفی را دستگیر و به زندان شهربانی انتقال دادند.^{۲۵}

مسجد جامع بازار به دلیل موقعیت سیاسی بازار دارای نقش و اهمیت خاصی در قیام

²⁴ . تحولات سیاسی - اجتماعی در دوران پهلوی، علیرضا امینی: ص ۲۷۶؛ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، جواد منصوری: ص ۶۳۵

از قبا تا فیضیه، جنبش مسلمانان تبریز: ص ۵۰ .

²⁵ . خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی: ص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۷۴ .

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی بوده است و از همان آغاز پایگاه مبارزان بود، اسناد شهربانی و ساواک این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد در اسناد ۱۱ خرداد ۱۳۴۲ شهربانی آمده است: پیرو گزارش قبل از مسجد جامع مراقبت به عمل آمد، هفت نفر روضه خواندند، آقای کامل خراسانی بر منبر رفته و تمام صحبت‌های او اشاره به دولت و مردم را بر علیه حکومت تحریک می‌نمود و گفت چرا خارجیان را به خاک ایران راه داده‌اند، آقای انصاری قمی بر منبر قرار گرفت و به مردم گفت چرا قیام نمی‌کنید و چرا از بیگانگان پیروی می‌نمائید.^{۲۶}

مسجد و انقلاب اسلامی

امام خمینی صرف‌نظر از آن که در جلسات درسی، عبادات و نماز جماعت را در مساجد برگزار می‌نمود، مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می‌دانست. او در مسجد اعظم قم دوم ذی‌حجه ۱۳۸۲ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) اندکی پس از آزادی، در جمع هزاران نفر از علما و فضلاء قم و سایر اقشار به تفصیل آن چه را پس از بازداشت ایشان رخ داده بود و شاه و دستگاه تبلیغاتی وی در ایران و خارج شایع ساخته بودند، به باد انتقاد گرفت آن‌گاه در اثر انعکاس این فریادها و بیدار باش‌های روشنگر و حرکت‌آفرین امام، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد در اجتماعات گوناگونی که در مساجد تشکیل می‌گردید به پیروی از امام امت به افشاگری و مخالفت با نظام ستم‌شاهی پرداخته و تحول عظیمی در افکار و اندیشه‌های مردم به وجود آوردند که باعث ترس رژیم پهلوی و اربابانش گردید.

این فریادها که از عمق جان‌ها در پایگاه مقدس مسجد برخاسته بذر امید و حرکتی بود که بر دل‌ها پاشیده و با تداوم آن به رشد و نمو و شکوفایی رسید، امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب در شهرهای گوناگون و روستاهای کشور با سخنرانی‌های کوبنده بر این حرکت مقدس تداوم بخشیدند، نوارهای سخنرانی‌های امام و پیام‌های معظم‌له به گونه دقیق و برنامه‌ریزی شده در مسجد به مردم می‌رسید به همین دلیل رژیم در مقام مخالفت و به تعطیلی کشانیدن این اماکن مقدس برآمد اما موج حرکت چنان قوی بود که نمی‌توانست آن را از ریشه برکند و لذا گاهی گویندگان متعهد را که بر فراز منابر مساجد حقایقی را مطرح می‌کردند راهی زندان، تبعید و یا ممنوع‌المنبر می‌گردانید و در مواقعی هم مزدوران رژیم ستم‌شاهی به مساجد می‌ریختند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و زمانی هم درب‌ها را می‌بستند

تا کسی به این اماکن نیاید.

مسجد هدایت واقع در خیابان استامبول تهران پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی آیت‌الله سید محمود طالقانی بود و او در مدت سی سال در این مکان مبارک نسلی دین دار، دردمند و مبارز تربیت کرد، افراد^{۲۷} حاضران در این مسجد اغلب جوانان و دانشجویان بودند و به قول شهید مطهری دالان دانشگاه بود. براساس گزارش‌های ساواک طالقانی در مسجد مزبور به موعظه و تفسیر می‌پردازد و در جلسات وی حدود ۴۰۰ نفر شرکت می‌کنند، او در بیانات خود پیوسته به اوضاع روز پرداخته و به مقامات عالی رژیم پهلوی حمله می‌نماید و اولیای امور را به ایجاد محیط رعب و وحشت و نقض قانون اساسی و آزادی بیان، اختلاس و ارتشاء متهم ساخته و حصار را به قیام علیه وضع کنونی تحریک می‌کند چون با وجود تذاکرات مکرری که به نامبرده در مورد خودداری از ادامه این روش داده شد، مشارالیه به حملات خود ادامه می‌دهد لذا عمل وی طبق ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی جرم محسوب و در صورت تصویب مراتب به دادستانی ارتش منعکس تا نامبرده تحت تعقیب قرار گیرد.^{۲۸}

در گزارش ساواک این مسجد به عنوان کانون جوانان معرفی شده چرا که محل فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این مسجد بود و انجمن اسلامی دانشجویان تهران در سال ۱۳۴۲ سخنرانی‌های افشاگرانه خود را علیه انقلاب سفید در مسجد هدایت برگزار کرد از این رو شهید باهنر آن را اولین مرکز هدایت جوانان و روشنفکران و شهید چمران آن را کشتی نجات نامید و بیانات طالقانی در این مسجد کام حاکمان رژیم پهلوی را تلخ کرد و همواره وی را ممنوع‌المنبر می‌نمودند یا روانه زندان و تبعید می‌کردند.^{۲۹}

شهید آیت‌الله مفتاح به موازات فعالیت‌های علمی و آموزشی بنا به دعوت اهالی مسجدالجمود پایگاه‌های عرضه اسلام راستین در آن زمان بود، در این مکان به ایراد سخنرانی و جلسات تفسیری پرداخت و به روشنگری نسل جوان مبادرت نمود، یادآور می‌شود در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ شمسی برنامه‌های تبلیغی این مسجد زیر نظر شهید مطهری بود.

مفتاح در سال ۱۳۵۲ شمسی برای ایجاد تشکل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن

۲۷. راهی که زرفته/بم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره آیه الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی (تهران، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی)، ب ۱۳۷۹: ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

۲۸. آیت‌الله سید محمود طالقانی بازرگان توانای اسلام به روایت ستاد ساواک، وزارت اطلاعات: ص ۲۰۹.

۲۹. پیک آفتاب، محمد اسفندیاری: ص ۷۵ و ۸۱.

سنجری برای ارائه اسلام راستین، امامت مسجد جاوید را پذیرفت و در این پایگاه يك هسته مقاومت تشکیل داد و در اکثر اوقات از سخنرانان مبارز دعوت به عمل می‌آورد تا جوانان و خصوص دانشجویان را متوجه حقایقی ناب نماید.

به دلیل تبدیل شدن مسجد جاوید به سنجری استوار برای سبّ با طاغوت و استقبال اقشار تحصیل کرده از برنامه‌هایش و سخنرانی شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری در آن، برنامه‌های این مسجد بیش از ۱۸ ماه ادامه نیافت و در سوم آذر ۱۳۵۳ پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای ساواک به آن هجوم برد و مسجد جاوید را تعطیل و مفتوح را روانه زندان ساخت. در سال ۱۳۵۵ شمسی مفتوح امامت مسجدی را در حوالی حسینییه ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف گردید تا یادآور مسجدی باشد که در ظلمت‌کده جاهلیت توسط رسول اکرم بنیان نهاده شد مفتوح در مسجد مزبور در سطحی وسیع‌تر به تشکیل کلاس‌های عقیدتی و سخنرانی‌های روشنگرانه دست زد، رژیم که چنین شور و شوق و تحولی را می‌دید، وی را در تنگنایی سخت قرار داد اما او تنها و استوار در برابر فشارهای سیاسی ایستاد و این مسجد چنان مورد استقبال جوانان قرار گرفت که جمعیت انبوه هنگام سخنرانی خیابان‌های اطراف آن را پر می‌کرد در گزارش ساواک نیز از جذب جوانان مذهبی در این مسجد سخن به میان آمده و این که مسجد قبا به قطب تازه‌ای برای مبارزین تبدیل شده و جای مسجد هدایت را گرفته است.^{۳۰}

شهید دکتر محمد جواد باهنر طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ همزمان با استفاده از آموزش و پرورش و مدارس، از مساجد و حسینیه‌ها برای ایجاد تحول فرهنگی و سیاسی در جامعه استفاده نمود.

او فعالیت خود را به يك مسجد خاصی محدود نکرد بلکه با مساجدی که پایگاه مبارزان بود، ارتباط داشت و در چندین مسجد سخنرانی می‌نمود. مسجد جلیلی واقع در خیابان ایران‌شهر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد اقشاری از بازاریان تا روحانیان و دانشگاهیان در آن شرکت می‌کردند و به تبادل‌نظر در مسایل سیاسی می‌پرداختند. شخصیت تأثیرگذار این مسجد آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی بود. باهنر در مواردی در این مکان به فعالیت و انجام سخنرانی می‌پرداخت وی در سخنرانی‌های خود در مسجد جلیلی به ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه اسلامی پرداخت و سلطه خارجی را از موانع

³⁰ . شهید مفتوح و تکبیر وحدت، از نگارنده: ص ۱۲۱ - ۱۱۰ .

رشد و ترقی دانست شهید باهنر به دلیل شرکت در بحث‌هایی که شب‌های شنبه هر هفته در این مسجد تشکیل می‌گردید تحت مراقبت و کنترل ساواک قرار گرفت در مسجد هدایت هم باهنر، از رژیم پهلوی انتقاد شدیدی نمود و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و نیز مسجداالجواد ممنوع المنبر گردید.^{۳۱}

اوج‌گیری نهضت

اول آبان ۱۳۵۶ (دی‌قعدة ۱۳۹۸ هـ ق) خبر تأثرانگیز شهادت حاج مصطفی خمینی موج عظیمی در میان مردم ایران پدید آورد و برخلاف اختناق شدید، افشار مختلف مجالس ختم گوناگونی برای تجلیل از مقام آن عالم بزرگوار و فرزند رهبر انقلاب ترتیب دادند اولین مجلس ختم از سوی علمای تهران در مسجد جامع این شهر برگزار شد، سپس در مساجد دیگر تهران، قم و سایر شهرستان‌ها مجالسی بدین مناسبت منعقد گردید.

مجلس بسیار بزرگ و بی‌سابقه از طرف حوزه علمیه قم در مسجد اعظم این شهر منعقد گشت که در این برنامه علاوه بر شرکت گسترده علما، مراجع و فضلا و طلاب، جمعیت زیادی که از شهرستان‌ها آمده بودند، حضور به هم رسانیدند. کثرت حاضران به حدی بود که تمام شبستان‌ها، حیاط مسجد و صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و خیابان‌های اطراف مسجد و حرم مطهر مملو از جمعیت بود، سخنرانان نیز در افشای هرچه افزون‌تر چهره استبداد کوشیدند و پایه‌های ستم را با بیان واقعیت‌ها، متزلزل نمودند.

مجالس ختم هم‌چنان ادامه داشت تا قیام نوزده دی ۱۳۵۶ در قم بوجود آمد، اربعین شهادی این قیام از سوی روحانیت متعهد تبریز برگزار شد. عده‌ای هم اعلامیه‌هایی را که بر دیوار مسجد نصب شده بود و مطالعه می‌کردند که مأموران ساواک با آنان درگیر شدند و گروهی از مبارزان به شهادت رسیدند، برای بزرگداشت شهادی تبریز، مردم در شهرهای دیگر مجالسی برگزار کردند.^{۳۲}

در ایام ماه رمضان سال ۱۳۹۸ هـ ق مسجد مولا در شیراز، تحت محاصره قوای نظامی بود اما هزاران نفر در این مکان به منظور اقامه نماز جماعت و شنیدن سخنان آیت‌الله محلاتی گرد آمده بودند. در مسجد جامع این شهر رژیم دست به جنایتی دیگر زد و عصر پنج‌شنبه

۳۱. شهید دکتر محمد جواد باهنر، مواضع و دیدگاه‌ها، مرتضی نعمتی زرگران: ص ۹۲ - ۸۹.

۳۲. تحلیلی از انقلاب اسلامی، حاتم قادری: ص ۱۰۰ - ۹۷.

پنجم رمضان (۲۰ مرداد ۱۳۵۷) هنگامی که مردم بی‌دفاع در این مسجد مشغول انجام فریضه مذهبی بودند مورد هجوم افراد مسلح پلیس قرار گرفتند در این یورش طی مدت کوتاهی ده‌ها نفر شهید و عده‌ای زیاد زخمی شدند.^{۳۳}

در اصفهان ضمن شکل‌گیری تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده، همه روزه و شب‌ها اجتماعاتی در مساجد گوناگون برگزار می‌شد. مسجدالرحیم، مسجد جامع و مسجد سید از جمله آنها بود. مسجد حکیم پایگاهی مهم برای نهضت اسلامی در اصفهان به شمار می‌رفت و ضمن سخنرانی‌های انقلابی، اعلامیه‌هایی در این مکان پخش می‌گردید.^{۳۴}

در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ شمسی در حالی که مردم کرمان در مسجد جامع این شهر گردآمده بودند و چهل‌م شهدای میدان شهدا و فاجعه ۱۷ شهریور تهران را گرامی می‌داشتند و به سخنان یکی از وعاظ گوش فرا می‌دادند، مأموران ساواک در حالی که عده‌ای را اجیر کرده بودند با چوب و چماق به این مسجد یورش بردند و پس از منفجر کردن چند کپسول گاز اشک‌آور، از درب ورودی و پشت‌بام مسجد با چوب و سنگ و آجر و اسلحه گرم به مردم حمله کردند و عده‌ای را شهید و ده‌ها نفر را مجروح و مصدوم کردند و قرآن‌ها و کتاب‌های موجود در آن را به آتش کشیدند.^{۳۵}

هرچه انقلاب اسلامی مسیر حرکت و رشد سریع خود را می‌پیمود نقش مساجد در شکوفایی آن محسوس‌تر می‌گردید، در لحظات پیروزی دیگر مساجد کانون تلاش، و مبارزه مردم بود و آنان جز آنجا، مکانی را برای دریافت اخبار نهضت نمی‌شناختند پیام‌های امام توسط گویندگان مذهبی و افراد متعهد از بلندگوهای مسجد منتشر می‌گردید و تمامی راهپیمایی‌های با شکوه و حماسی میلیونی از مساجد سرچشمه می‌گرفتند و چون جویبارهایی در خیابان‌ها و معابر جاری می‌شدند تا آن که بساط طاغوت در هم پیچید و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، بعد از این فتح بزرگ مساجد کانون‌هایی برای حفظ انتظامات شهری، پاسداری از نهضت و مکانی برای تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی بودند، کمیته‌های انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفین و کمیته امداد امام خمینی در همین مکان‌ها شکل گرفتند و با شروع جنگ تحمیلی مساجد مراکزی مهم برای ساماندهی نیروهای رزمنده و عزیمت آنان به جبهه‌های جنگ به‌شمار می‌رفتند، امکانات مورد نیاز دفاع مقدس در مساجد جمع‌آوری و بسته‌بندی

۳۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج ۸ و ۹، ص ۲۰۸ - ۲۰۲.

۳۴. یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان: ج ۲، سید حسن نوربخش، ص ۹۸، ۱۰۴ و ۱۴۶.

۳۵. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، ولی‌الله فوزی: ص ۹۴ و ۹۵.

می‌گردید و به رزمندگان اسلام می‌رسید.